

شماره ۱
پیکارگر

پیکارگر

نشریه
اتحادیه دانشجویان پیکارگر
طرفدار آزادی طبقه کارگر

سال اول - ۲۵ ماه مه ۱۹۸۲ ضمیمه شماره ۱

انقلاب پرشکوه

کارگران و زحمتکشان ایران

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

را به گورستان تاریخ خواهد سپرد!

خاطره پیکارگر شهید رفیق ارژنگ رحیم زاده گرامی باد



«باشوک واریباید جنگید...»

چنین بود تیر یکی از مقالات پرشور ارژنگ که در نشریه ۱۶ آذر (ارگان دانشجویان هوادار سازمان پیکار) منتشر شد، و او خود تجسم چنین شعاری بود. ارژنگ از برجسته‌ترین عناصر جنبش دانشجویی سالهای ۵۰، سالهای حدت روزافزون تضادها بین توده‌های زحمتکش و رژیم شاه، سالهای اوجگیری مبارزات توده‌ای و تمرکز سرکوب و خشمناکه سالهایی که شش خرداد، بهروزهای مبارزه روشنفکران انقلابی به بوته آزمایش گذاشته شد و دم کارآنی خود را در بسیج توده‌ای به معرض نمایش گذارد، سالهایی که دانشگاه نقش خود بعنوان سنگر آگاهی را بیش از پیش نشان داد و مبارزه طبقاتی درون جامعه با همه قوت و ضعفهایش به نحو احسن در آن شمعک گردید.

در چنین سالهایی است که ارژنگ به دانشگاه وارد میشود. او که در سال ۱۳۳۲ در قوهان متولد شده و با بکارگیری هوش و استعداد چشمگیرش سالهای تحصیلی قبل از دانشگاه را به بهترین وجه به پایان رسانده بود، ابتدا وارد دانشکده نفت آبادان می‌شود ولی بخاطر شرکت در مبارزات صنفی - سیاسی برجسته خود از تحصیل در آن دانشکده محروم میگردد و پس از آن به دانشگاه تبریز راه می‌یابد.

ورود به دانشگاه حقوق پهنه عمل سیاسی را گسترده‌تر از پیش فراروی او قرار میدهد و ارژنگ با فعالیت سیاسی و هواداری از بخش مشعب از سازمان مجاهدین خلق، به مرحله تازه‌ای از زندگی رزجوبانه خود طبع امپریالیسم و ارتجاع وارد می‌شود. بکار دستگیر می‌گردد و مدتی را در زندان میگذراند اما ساواک از خفنگران و ارتجاع‌ها او چیزی نم‌نشد. ارژنگ آزمایش کینه نسبت به بورژوازی و مهر و عشق به کارگران و زحمتکشان را در تمام این مراحل تجربه می‌کند و از آزمایشها سرفراز بیرون می‌آید. در همین دوره زندان است که از سوی پدرش جهت تسلیم در برابر رژیم شاه تحت فشار قرار می‌گیرد ولی قاطعانه آنرا رد می‌کند و در عمل نیز پیوند خویش را از هر کسی که برفد انقلاب است می‌برد و با کارگران و زحمتکشان پیمان و پیوند خود را تحکیم می‌بخشد.

فعالیتهای سیاسی در دانشگاه، تظاهرات و امتحانات، بحثها و نطق‌های پرشور انقلابی و نوشتن مقالات انشازگانه و آگاهانه و شرکت در سازماندهی و رهبری این مبارزات انقلابی دانشجویی و پیوند آن با مبارزات گسترده توده‌ای، ارژنگ را بطور مستمر آگاه‌تر و پخته‌تر می‌نماید و او را برای مبارزه در جهت تحقق آرمان کارگران و زحمتکشان مصمّم می‌سازد.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

ضرورت بیدار آمدن طبقه کارگر و بدست گرفتن رهبری انقلاب بوسیله این تنها طبقه تا باخر انقلاب، ارزنگ را به آشنا شدن بیشتر با مسائل روزمره و رازمدت کارگران و بردن آگاهی در میان آنان رهنمون می‌شود و او در جنبشگری "دانشجویان مبارز" به جنبش طبقه کارگر و در تلاش آنان برای توضیح استثمار سرمایه‌داری و افشای رژیم سرمایه‌داری و ضرورت سرنگونی آن برهبری این طبقه، نقش برجسته و سازمان دهنده‌ای ایفا می‌کند.

پس از قیام بهمین، همین جریان دانشجویی که با شی جریکی مرزبندی داشت و به ضرورت پیوند عنصر آگاه با جنبش طبقه کارگر معتقد بود شکل دانشجویان مبارز را بوجود می‌آورد و ارزنگ که در رابطه تشکیلاتی با سازمان پیکار بود نقش مهمی در رهبری این شکل دانشجویی ایفا می‌نماید.

در جریان مبارزه ایدئولوژیکی که در سازمان پیکار پیرامون نقش سازمان دانشجویی در گرفت، رفیق با شرکت موثر خود در «سینه نقاله»، رابطه مارکسیستی میان يك سازمان دانشجویی و سازمان مادر را مطرح نموده و در

تحقق تشکیلاتی آن از طریق رد شکل‌های ائتلافی نظیر "دانشجویان مبارز" نقش برجسته‌ای ایفا کرد. بدین ترتیب در پایه‌گذاری "سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان هوادار پیکار" (د ۰۰) از سازماندهندگان اصلی بود. توانایی و پتانسیل چشمگیر رفیق در زمینه ترویج و تبلیغ و استعداد سرشارش در کار شوریک و نویسنده‌گی و سلات ایدئولوژیکی او موجب شد که در مسئولیت جدی‌تر یعنی عضویت در هیأت تحریریه ۱۱ آذر مقالات متعدد در به نگارش در آورد که نشانگر گرایش پرشور و عشق آتشین او به مارکسیسم - لنینیسم و منافع طبقه کارگر است.

رفیق ارزنگ در کلیه عرصه‌های فعالیت د ۰۰ شرکت داشت. کسانی که با جنبش انقلابی دانشجویی سالیانی اخیر ایران از نزدیک برخورد داشته‌اند صدای گرم و پرشور ارزنگ را بهنگام سخنرانی یا آنگاه که با بلندگو شعارهای بظاهرات و راهبیمانیهای خیابانی را هدایت میکرد بیاد دارند. طنین صدای ارزنگ که طنین تیش قلب او در دفاع بیدریغ از منافع کارگران و زحمتکشان بود تا سالهای سال در فضای جامعه ما می‌پیچد و تا آنگاه که طبقه کارگر آرمان خویش - که همان آرمان ارزنگ بود - را تحقق بخشد همچنان بگوش خواهد رسید. نقش ارزنگ در مبارزه علیه رویزینیستها و بسیاری از جریان‌های انحرافی که در صفوف جنبش دانشجویی و با جنبش چپ و سازمان پیکار وجود داشت بسیار بارز و ارزنده بود.

تجاهم وحشیانه رژیم سرمایه و چپل برای بستن دانشگاهها و خفه کردن صدای آگاهگرایانی که از سنگر دانشگاه برمیخاست پس از طی مقدمات گسترده‌ای در اول اردیبهشت ۵۹ صورت گرفت و این تجربه‌ای دیگر در زندگی سیاسی ارزنگ بود. در آنگاه برخی از کسانی که امروز خیلی ادعای چپ بودن را هم دارند مقاومت دانشجویان در برابر این تهاجم ارتجاعی را نادرست می‌دانستند ولی ارزنگ از آن کسان نبود. ارزنگ بنیانگذاری از سازمان دانشجویان هوادار پیکار، در افشای این تهاجم که بدست گل رژیم و مشارکت فعال بنی‌صدر صورت گرفت، بهترین استعداد تبلیغی و شجاعت خود را نشان داد. او دو مصاحبه با تلویزیون در همان شب تاریخسی مقاومت در دانشگاه انجام داد که هر چند هیچکدام اجازه پخش نیافت اما کسانی که دست‌اندرکار این مقاومت نهرمانان دانشجویان انقلابی بودند روحیه پرشور انقلابی و کمونیستی ارزنگ در مقابله با تهاجم ارتجاعی بسیار دارند. طبیعی است که در کنار ارزنگ و همدوش او هزاران رفیق رزنده دیگر بودند که در سراسر ایران در برابر این تهاجم مقاومت میکردند و برخی از آنان بجزم همین مقاومت شیریاران شدند، از شهدای دانشگاه تهران گرفته تا رفقای چون مهدی علوی شوشتری و احمد موزن و دکتر نریمسا در خوزستان.

پس از کنگره دوم سازمانی در تابستان ۵۹ ارزنگ در هیأت تحریریه پیکار سازماندهی شد و برخورد مسئولانه و شور انقلابی و کمونیستی او در مقالات تبلیغی و ترویجی‌اش آشکار بود. در اینجا به برخی از مقالات او اشاره می‌کنیم:

- ۱ - سلسله مقالات "تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم لنینیسم" (در ۱۲ قسمت مندرج در پیکار از شماره ۲۷ تا ۸۹)
- ۲ - "انزایش تولید" در جنگ ارتجاعی: شعاری در خدمت طبقه سرمایه‌دار (پیکار ۸۰ و ۸۱) (مبارزه ایدئولوژیکی با راه کارگر)

شعبه اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳ - مجاهد بن خلق و جنگ (پیکار ۸۱)

۴ - تلاش رژیم برای آزادی گروگانها قافیه را بر رویزینویشتها و اپورتویشتها تنگ می کند (پیکار ۸۲)

۵ - رزمندگان و راه کارگر : از حرف تا عمل (پیکار ۸۳ و ۸۴ و ۸۶)

۶ - حقیقت واقعه سفارت را چه کسی به نودها گفت ؟ (پیکار ۹۱)

۷ - قیام بهمن و انحرافات کمونیستها (پیکار ۹۳)

۸ - حزب نوده در هنگام قیام متحد لبرالها بود. (پیکار ۹۳)

.....

با وجود آمدن جمع ک.ت.م. (کمیته تبلیغ مستقیم) که وظیفه آن برخورد با فعالیت تبلیغی شفاهی از سخنرانر و بحث خیابانی گرفته تا برپا کردن نمایشگاه و شاتر خیابانی بود، رفیق ارزنگ به آن جمع منتقل شد و همراه ساسا رفیق دیگر خود، رفیق حامد، نه تنها به این وظیفه بلکه در رابطه با بحران سازمان و بویژه پس از انتشار بیانیه

پیکار ۱۰ مبارزه ایدئولوژیک فعالی را به پیش برد. جزوه در رد پروپولیس (در سه قسمت) که در نقد پیکار شوریک ۲ به رشته تحریر درآمده بود و متأسفانه آنرا در دست نداریم و نیز کتاب "فرم یا انقلاب" در رد بیانیه ۱۱۰ که با همکاری رفیق حامد نوشته و در خارج چاپ شده است، حاصل کار این دوره می باشد.

با تعطیل موقت پیکار و منحل شدن جمع ک.ت.م. پس از ضربه تیرماه ۶۰، رفیق دوباره به تحریریه برمیگردد و مقالاتی تبلیغی منجمله :

"خمینی جلاد : امام رژیم تازیانه و دار" (پیکار ۱۱۴) و نیز سلسله مقالات ترویجی "مارکسیستها و مذهب و لزوم جدائی دین از سیاست" (منظور جدائی دین از دولت است) متأسفانه تاکنون مانده، مطرح در پیکار ۱۲۰ تا ۱۲۷ (آخرین شماره پیکار) را به رشته تحریر در می آورند.

رفیق ارزنگ با برآمد بحران درونی سازمان راه حل ایجاد کمیسیونهای گزایشی مبتنی بر حقوق لنینی اقلیت را می پذیرد و بر اساس آن علاوه بر مبارزه علیه خط مشی اپورتویستی ۱۱۰ و کلا خط راست حاکم بر سازمان طبعه فراکسیونسم و مبارزه ایدئولوژیک طبعی مبارزه می کند. جزوه "مبارزه ایدئولوژیک طبعی : انحلال تشکیلات انحلال ایدئولوژی و جزوه "تعریف جنبش کمونیستی" و شرکت در ع.وین مقالاتی که مواضع کمیسیون گزایشی - پیکار در دو جیبه - را تشکیل میداد از آثار دیگر رفیق ارزنگ است.

رفیق ارزنگ، رفیقی بی گناه، بی احساس مسئولیت و نه تنها در سخن که در عمل نیز ماضق رهائی کارگران و زحمتکشان بود. او رفیقی شاد و پر جوش و پر صبر بود که در همین حال نسبت به دشمنان کارگران و زحمتکشان نسبت به رویزینویشتها و خائشین هیفا کینه می ورزید. تلاش صادقانه او برای آراسته شدن به خصال کمونیستی و انقلابی او را به انتقاد صریح از رفقا و خودش و امید داشت و قدرت انتقاد پذیری و انضاد از خود را در موارد متعدد بوضوح چشمگیری از خویش نشان میداد.

رفیق ارزنگ که تا پایان دوران تحصیل دانشگاهی فردی موفق و دارای روابط دوستانه با برخی از دانشجویان و استادانش بود و با آنها روابط طایفی داشت در زندگی پربار و متأسفانه کوتاه سیاسی خود یک مصر پیشرو و انقلابی با روحیه ای کمونیستی بود. دستگیر شدن او در ۱۴ بهمن ماه ۶۰ و در شرایطی که بدلیل بحران در تشکیلات و ششتری که از دو سوی راست و "چپ" سازمان را فرا گرفته بود و رفقا از حداقل امکانات امنیتی نه تنها برای تشکیل جلسات و یا اجرای قرار و بحث بلکه از یک خانه امن نیز برخوردار نبودند ضربه ای سخت به سیر مبارزه ایدئولوژیک درونی تشکیلات و جریان کمیسیون گزایشی بود. آنها که او را از نزد یک می شناختند از این واقعه درد بیشتری احساس کردند. اما رفیق ارزنگ که بسیار زودتر از آنچه انتظارش می رفت در معرض ضربه ضد انقلاب قرار گرفت، با مقاومت بلشویک و اریستادگی کرد و به آرمان خود وفادار ماند و همانطور که سخنرانهای پرشورش در دانشگاه و میتینگها را با مهارت : "بنام نامی طبقه کارگر" آغاز میکرد، زندگی انقلابی خود را نیز با همین نام به پایان برد.

آرشبو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

فابو د باد سلطه سرمایه

بیشک نه ناگهانی بودن ضربه، نه شکستهای وحشیانه جلادان رژیم سرمایه و نه خیانت حسین روحانی و غیره روحیه هم او را نمیتوانست بشکند. واقعه‌ای که قبل از شهادت او اتفاق افتاد بر اساس خبری که قبلاً منتشر شده است می‌آوریم:

در جلسهای که روحانی خائن در سالن زندان اوین به توجیه خیانت خود و به تسلیم کشاندن دیگران مشغول بوده یک رفیق کارگر به او اعتراض کرده فریاد میزند "طیرغم این خیانتها روحیه ما بسیار خویست و مبارزه ما هیچوقت پایمان نمی‌یابد". و شعار می‌دهد که "طبقه کارگر پیروز است". سپس به روحانی حمله کرده او را مضروب و محروم می‌سازد. ارزش رفیق کارگر را در آغوش می‌گیرد. پاسداران به آنها حمله می‌کنند و از سالن بیرون می‌برند. صبح روز بعد هر دو رفیق پیگارگر را به جوخه اعدام می‌سپارند.

یاد رفیق ارزنگ، همزمان با سالروز تهاجم رژیم جمهوری اسلامی به دانشگاه و در شرایطی که جنبش چپ ایران در بحران بسر می‌برد و خیل عظیمی از فعالین این جنبش را حالتی از سرخوردگی و سرگیجه و عدم اعتقاد به آینده فرا گرفته و حتی نشانه‌هایی از تردید نسبت به آرمان انقلاب و سوسیالیسم چشم می‌خورد و روحیه انفراد منشی و لوث

کردن مبارزه ایدئولوژیک رایج گشته و نقد دیالکتیکی گذشته جای خود را به نفی ایدئالیستی و نیپیلیستی آن داده است، می‌تواند درسی آموزنده باشد. درسی از زندگی ارزنگ و درسی از شهادتش. زندگی و شهادتی که طیرغم تصویری که بی‌نفع بورژوازی در فضای روشن‌فکران جنبش چپ رواج یافته است نه تنها استثنائی نبوده بلکه نمونه‌های بسیار و پر ارجح داشته است.

— افتخار بر پیگارگر شهید رفیق ارزنگ رحیم زاده

— سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

— ناپدید باد سلطه سرمایه

— زنده باد سوسیالیسم

